

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه سمنان

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تحلیل ساختاری گفتگو در غزلیات شمس

استاد راهنما:

آقای دکتر حمیدرضا توگلی

استاد مشاور:

آقای دکتر سید حسن طباطبایی

پژوهشگر:

مرضیه عبدوس

بهمن ماه ۱۳۹۰

*****تعهدنامه*****

اینجانب مرضیه عبدوس دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض دانشگاه سمنان، دانشکده علوم انسانی گروه زبان و ادبیات فارسی تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان‌نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از هیچ منبعی کپی‌برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و تحقیقات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید محترم بوده است.

تقدیم به :

مادر مهربان و پدر بزرگوارم که در این راه دعایشان پیوسته بدرقهٔ راهم

بود.

تقدیم به خانواده‌ام و همهٔ کسانی که دوستشان دارم.

تشکر و قدردانی:

سپاس خداوند مَنّان و شکر الطاف بی کرانش را که در به انجام رساندن این رساله توفیق داد. سپاس خالصانه خود را به تمام کسانی که مرا در نگارش این رساله یاری نمودند ، تقدیم می کنم. از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر توگلی که با راهنمایی های دلسوزانه خویش مرا مورد لطف قرار دادند، تشکر می نمایم و از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر طباطبایی که در راه رفع نقایص این پژوهش مشاورم بودند ، بسیار سپاسگزارم. همچنین از جناب آقای دکتر رحیمی و جناب آقای دکتر رضایی که داوری این پایان نامه را بر عهده گرفتند، کمال تشکر را دارم.

در پایان از تمام اساتید گروه زبان و ادبیات فارسی که در شش سال تحصیل، زمینه ساز آموخته هایم بودند ، بی نهایت سپاسگزارم.

چکیده:

گفتگو در غزلیات شمس حضور گسترده و خلاقیتی دارد. همواره در آثار قدیمی‌ترین شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان، گفتگو به شکل‌های مختلف رواج داشته است. اگرچه شاعران پیش از مولانا نیز چون سنایی و عطار در آثار خود به گفتگو توجه کرده‌اند؛ اما در غزلیات شمس تنوع و گستردگی گفتگوها چشم‌گیرتر است. غزلیات شمس شامل ۳۲۷ گفتگو است. گفتگوها انواع گوناگونی دارند. در غزلیات گفت‌وشنود و پرسش‌وپاسخ میان همه چیز هستی شکل می‌گیرد. گفتگوها را می‌توان به چندین دسته طبقه‌بندی کرد. مولانا با مفاهیم انتزاعی، عناصر طبیعت، انسان‌ها، معشوق، ساقی، شمس، پیر، خداوند، اندام‌ها و حتی دیو گفتگو می‌کند. در این گفتگوها گاه شاعر آغازگر گفتگوست و گاهی نیز عناصر و مفاهیم و انسان‌ها و... آغازگر گفتگو هستند. در مواردی نیز مولانا به گفتگوی عناصر و مفاهیم و... اشاره می‌کند. از این گفتگوها، گفتگو با معشوق جلوه بیشتری دارد. تعداد این گفتگو ۸۵ مورد است. نمونه دیگری، گفتگو با عناصر طبیعت و مفاهیم انتزاعی است. تأثیر جهان‌شناسی مولانا در این گفتگوها بارز است. مهمترین مسئله در جهان‌شناسی مولانا که سبب شده او با جلوه‌های طبیعت سخن بگوید، دیدگاهی است که نسبت به عالم دارد. از دیدگاه او همه هستی از جمادات و حیوانات و... در حال حرکت و سخن گفتن هستند. این گفتگوها با تشخیص پیوند می‌یابند. نمونه دیگری گفتگوی انسان‌هاست که در آن شاعر با شخصیت‌های نوعی (صفرایی، ترک، عرب و...) و حتی با پیامبران گفتگو می‌کند. همچنین گفتگوی شخصیت‌های معروف ادبیات (مجنون، لیلی و...) را به تصویر می‌کشد. گاه نیز این نوع گفتگو در قالب تمثیل نمایان می‌گردد. نمونه آن گفتگوی طیب و بیمار، کور و فراش و... است. نمونه دیگری، گفتگو با شمس است. در این نوع گفتگو شمس شخصیت تاریخی ندارد؛ بلکه هویتی یکسان با حق دارد و نماد انسان کامل است. مولانا با ساقی نیز گفتگو می‌کند. ساقی می‌تواند صورتی از معشوق باشد و یا به اولیاء اشاره داشته باشد که صورت انسانی عشق‌اند. تک‌گویی شکل دیگری از گفتگو در غزلیات است. صحبت یک‌نفره‌ای که ممکن است مخاطب داشته باشد یا نداشته باشد. پژوهش حاضر علاوه بر بررسی گفتگو و ساختار آن، تا حدودی مفاهیم مرتبط با گفتگو از جمله تشخیص، تمثیل، خطاب، التفات، سماع و... را بررسی می‌کند. در قسمت مبانی نظری نیز، به گفتگو توجه شده و بحث‌های مربوط به گفتگوی داستانی و مناظره که از شکل‌های مهم گفتگو هستند، مطرح می‌گردد. فصل اصلی نیز شامل رده‌بندی دقیق گفتگوها با ذکر نمونه اشعار است.

کلمات کلیدی: گفتگو، ساختار، غزلیات شمس، مولانا

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

۲	مقدمه.....
۲	۱-۱- بیان مسئله.....
۳	۱-۲- اهداف تحقیق.....
۳	۱-۳- پرسش‌های تحقیق.....
۳	۱-۴- فرضیه‌های تحقیق.....
۴	۱-۵- استفاده‌کنندگان از تحقیق.....
۴	۱-۶- نوع تحقیق.....
۴	۱-۷- روش تحلیل اطلاعات.....
۴	۱-۸- پیشنهاد تحقیق.....

فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

	۱-۱- انواع گفتگو
۷	۱-۱-۱- گفتگو در ادبیات داستانی.....
۷	۱-۱-۲- گفتگو در قالب مناظره.....
۸	۱-۱-۳- گفتگو و تشخیص.....
۱۱	۱-۱-۴- گفتگو و تمثیل.....
۱۲	۱-۱-۵- گفتگو و فابل.....
	۲-۱- مناظره
۱۳	۱-۲-۱- تعریف مناظره.....
۱۵	۲-۲-۱- مناظره در غرب.....
۱۶	۳-۲-۱- مناظره پیش از اسلام.....

- ۲۱-۴-۲-۱- مناظرات دوره اسلامی.....
- ۲۶-۵-۲-۱- مناظره در غزلیات شمس.....
- ۳-۱- گفتگو
- ۲۷-۱-۳-۱- تعریف گفتگو.....
- ۲۹-۲-۳-۱- انواع گفتگو در ادبیات داستانی.....
- ۳۳-۳-۳-۱- گفتگو و روایت.....
- ۳۵-۴-۳-۱- گفتگو و اندیشه.....
- ۳۶-۵-۳-۱- گفتگو در گذشته و امروز.....
- ۳۷-۶-۳-۱- ویژگی گفتگو.....
- ۳۹-۷-۳-۱- نقش گفتگو در شخصیت پردازی.....
- ۴۴-۸-۳-۱- نقش لهجه در شخصیت پردازی.....
- ۴۵-۹-۳-۱- نقش گفتگو در شرح وضعیت.....
- ۴۶-۱۰-۳-۱- نقش گفتگو در نشان دادن محیط و فضای داستان.....
- ۴۶-۱۱-۳-۱- گفتگو و طرح داستان.....
- ۴۷-۱۲-۳-۱- گفتگو و درونمایه.....
- ۴۸-۱۳-۳-۱- تأثیر گفتگو بر خواننده.....
- ۵۰-۱۴-۳-۱- بازگشت به گذشته.....
- ۵۰-۱۵-۳-۱- نقش ضرباهنگ در گفتگو.....
- ۵۱-۱۶-۳-۱- عبارت آغازین.....
- ۵۲-۱۷-۳-۱- حرکت.....
- ۵۳-۱۸-۳-۱- زمان.....

فصل سوم : مولانا و گفتگو

- ۵۵-۱-۱- زندگی مولانا.....
- ۵۷-۲-۱- مولانا و قصه.....
- ۳-۱- تأثیرپذیری مولانا از گذشتگان

- ۱-۳-۱- گفتگو در روایت عرفانی.....۶۲
- ۲-۳-۱- سنایی و عطار.....۶۴
- ۳-۳-۱- خاقانی.....۶۶
- ۴-۳-۱- تأثیرپذیری مولانا از معارف.....۶۹
- ۵-۳-۱- تأثیرپذیری مولانا از مقالات شمس.....۷۲
- ۴-۴- گفتگو در مجالس سبعة.....۷۶
- ۵-۱- جهان شناسی مولانا.....۷۷

فصل چهارم : گفتگو در غزلیات شمس

- ۱-۱- مولانا و قصه.....۸۷
- ۲-۱- انواع گفتگو در غزلیات شمس.....۹۰
- ۱-۲-۱- گفتگو با معشوق.....۹۲
- ۱-۲-۱-۱- گفتگو با خدا.....۱۰۰
- ۲-۱-۲-۱- گفتگوی مولانا با شمس.....۱۰۳
- ۳-۱-۲-۱- معشوق مولانا کیست؟.....۱۰۴
- ۴-۲-۲-۱- فرامن.....۱۰۶
- ۲-۲-۱- گفتگوی عناصر طبیعت.....۱۰۸
- ۱-۲-۲-۱- گفتگوی مولانا با عناصر طبیعت.....۱۰۹
- ۲-۲-۲-۱- گفتگوی عناصر طبیعت با مولانا.....۱۱۲
- ۳-۲-۲-۱- گفتگوی عناصر طبیعت با یکدیگر.....۱۱۳
- ۴-۲-۲-۱- گفتگوی انسانها و مفاهیم انتزاعی با عناصر طبیعت.....۱۱۶
- ۳-۲-۱- گفتگوی مفاهیم انتزاعی.....۱۱۷
- ۱-۳-۲-۱- گفتگوی مولانا با مفاهیم انتزاعی.....۱۱۸
- ۲-۳-۲-۱- گفتگوی مفاهیم انتزاعی با مولانا.....۱۲۲

- ۱۲۳..... گفتگوی مفاهیم انتزاعی با یکدیگر ۳-۳-۲-۱
- ۱۲۵..... گفتگوی انسان‌ها با مفاهیم انتزاعی ۴-۳-۲-۱
- ۱۲۶..... گفتگوی مفاهیم انتزاعی با انسان‌ها ۵-۳-۲-۱
- ۱۲۷..... گفتگوی مفاهیم انتزاعی با معشوق ۶-۳-۲-۱
- ۱۲۸..... گفتگوی انسان‌ها ۴-۲-۱
- ۱۳۹..... گفتگوی مولانا با پیر ۵-۲-۱
- ۱۴۰..... گفتگوی مولانا با ساقی ۶-۲-۱
- ۱۴۲..... گفتگوی مولانا با اندام‌ها ۷-۲-۱
- ۱۴۳..... گفتگوی پیامبران ۸-۲-۱
- ۱۵۰..... تک‌گویی ۹-۲-۱
- ۱۵۱..... حدیث نفس ۱-۹-۲-۱
- ۱۵۴..... گفتگو و تمثیل ۳-۱
- ۱۵۸..... گفتگو و حکایت حیوانات (فابل) ۴-۱
- ۱۶۱..... گفتگو و پارابل ۵-۱
- ۱۶۴..... تشخیص ۶-۱
- ۱۷۳..... خطاب ۷-۱
- ۱۷۸..... التفات ۸-۱
- ۱۸۱..... سماع ۹-۱
- ۱۸۵..... ابهام در گفتگو ۱۰-۱
- ۱۹۲..... **فصل پنجم: نتیجه‌گیری**
- ۱۹۶..... منابع و مأخذ

فصل اول:

کلیات تحقیق

مقدمه

گفتگو در غزل‌های مولانا حضور گسترده‌ای دارد. گستردگی گفتگو در غزلیات شمس، با روایت و داستان پیوند می‌یابد. مولانا از شاعرانی است که به قصه و حکایت توجه فراوانی دارد. این شاعر عارف نه تنها در مثنوی خویش بلکه در دیوان غزلیات خویش نیز به نقل حکایت و داستان می‌پردازد. با توجه به اینکه گفتگو یکی از عناصر مهم در داستان پردازی است، در غزل‌های مولانا نقشی بنیادین دارد. استفاده فراوان مولانا از این مقوله در غزلیات، سبب شد تا در این رساله، مقوله گفتگو در غزلیات وی مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد. این رساله سعی دارد که اهمیت ساختار گفتگویی و داستانی در غزلیات و ارتباط گفتگو با تجارب و اندیشه مولانا را نشان دهد. از جمله این که گستردگی گفتگو در غزلیات شمس، با اندیشه زنده دیدن هستی و تجدد امثال پیوند دارد. ما در این رساله، پس از استخراج گفتگوهای غزلیات، آنها را رده‌بندی کرده‌ایم. از مجموع کل غزلیات سیصد و بیست و هفت گفتگو برای مطالعه انتخاب شده است. اگرچه شاعران پیش از مولانا نیز چون سنایی و عطار از گفتگو در غزل‌های خویش بهره جسته‌اند؛ اما ذهن خلاق مولانا برای سرودن گفتگوها آمادگی بیشتری داشته است و به شکل گسترده‌ای گفتگو را وارد غزل‌های خویش کرده است.

۱-۱- بیان مسئله

گفتگو به شکل گسترده و خلاقانه در غزلیات شمس حضور دارد. در ورای این گفتگوها تجارب مولانا جای دارد. این پدیده صوری، بلاغی و روایت‌شناختی از پیش‌زمینه‌های عاطفی، تجربی و فکری برخوردار است و در پشت تصاویر هنری، احساس و عاطفه شاعر نقشی بنیانی دارد. احساسات شاعر او را به سمت تخیل سوق می‌دهد و سبب می‌شود که او اجزای عالم را زنده بیندارد و آنها را در حال گفتگو ببیند. این گفتگوها ظاهری نیست و هر کدام به طریقی به عالم درون ربط داده می‌شود؛ حتی شمس نیز برای مولانا نماد انسان کامل و متعالی

است. ما می‌کوشیم با بررسی و رده بندی دقیق گفتگوها پیوندهایی را جستجو کنیم که ما را از مطالعه‌ی صوری به مطالعه محتوایی گذر دهد.

۲-۱- اهداف تحقیق

هدف ما اینست که نشان دهیم، ساختار گفتگویی و داستانی در غزلیات شمس چه اهمیتی دارد و نیز پیوند هنر شاعری مولانا را با جهان تجربه و اندیشه‌ی او در چشم انداز گفتگو نشان دهیم و گفتگوها را از نظر جنبه‌های بلاغی و مطالعات داستانی تحلیل کنیم. از جمله پیوند تشخیص را با نگاه مولانا بررسی کنیم.

۳-۱- پرسش‌های تحقیق

- ۱- چرا حضور گفتگو در غزلیات شمس بسیار گسترده و متنوع است؟
- ۲- ویژگی‌ها و گستردگی گفتگو در غزلیات شمس چه پیوندی با دنیای فکری و تجارب عاطفی مولانا دارد؟

۴-۱- فرضیه‌های تحقیق

گستردگی گفتگو در غزلیات شمس با اندیشه‌ی زنده دیدن هستی و تجدد امثال و درک عالم به صورت یک نظام موسیقایی نزد مولانا پیوند دارد و تشخیص که از جلوه‌های بارز تصویرگری مولاناست در گفتگوها حضور گسترده‌ای دارد. توجه مولانا به روایت و داستان در غزلیات دارای اهمیت ویژه‌ای است و داستان‌وارگی در گفتگوها وجود دارد. تلقی مولانا از مفهوم انسان خدایی یا ولی و به صورت خاص شمس تبریزی در این میان نقش آفرین است. همچنین می‌توان تصور کرد که فضای مجلس سماع هم در شکل‌گیری گفتگوها مؤثر باشد، هیجانی که در اشعار مولانا دیده می‌شود تا حدودی نقش سماع را در شکل‌گیری گفتگوها نشان می‌دهد.

۵-۱- استفاده کنندگان از تحقیق

۱- اساتید و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی

۲- پژوهشگران و محققان زبان و ادبیات فارسی و کسانی که در حوزه ادبیات داستانی و متون عرفانی فعالیت می‌کنند.

۶-۱- نوع تحقیق

تحلیلی

۷-۱- روش تحلیل اطلاعات

پیکره اصلی این رساله، درباره تحلیل ساختاری گفتگو در غزلیات شمس است. در این روش، ابتدا نگاهی به غزل‌های عرفانی برخی از شاعران پیش از مولانا، صورت گرفته است. سپس گفتگوها از غزلیات شمس استخراج و رده‌بندی شده و از نظر ساختاری و چگونگی کاربرد آن در غزلیات شمس، تحلیل شده است. همچنین در حین تحلیل به ذکر نمونه‌هایی از اشعار غزلیات پرداخته شده است.

۸-۱- پیشینه تحقیق

هیچ پژوهشگری به طور مستقل به بررسی گفتگو در آثار مولانا پرداخته است و گفتگو در غزلیات شمس نیز به شکل خاص و جداگانه‌ای مورد توجه واقع نشده است؛ اما از آنجا که گفتگو با قصه و داستان ارتباط دارد، کتبی که به بررسی قصه و جنبه‌های داستانی آثار مولانا پرداخته‌اند، به گفتگو نیز اشاره‌ای داشته‌اند. بنابراین به ذکر برخی از پژوهش‌هایی که مرتبط با غزلیات شمس و در حوزه ادبیات داستانی است اشاره می‌شود که در تحقیق حاضر از آن استفاده شده است:

۱- غزلیات شمس تبریز، محمد رضا شفیعی کدکنی (مقدمه)، تهران، سخن، ۱۳۸۷

۲- بوطیقای قصّه در غزلیات شمس، علی گراوند، تهران، معین، ۱۳۸۸ در این کتاب در حین بررسی جایگاه قصّه در غزلیات شمس، به گفتگو نیز اشاره شده است.

۳- زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی، نصرالله پورجوادی، هرمس، تهران، ۱۳۸۵ در این کتاب به مبحث مناظره و تعریف آن و حضورش در ادبیات اروپا و ادبیات فارسی و استفاده شاعران از این مقوله اشاره شده است.

۴- بحر در کوزه، عبدالحسین زرّین کوب، تهران، علمی، ۱۳۶۷
علاوه بر کتب ادبی برخی مقالات ادبی نیز که به قصّه و جایگاه آن در غزلیات شمس پرداخته‌اند، به گفتگو نیز توجه کرده‌اند:

۵- «ردّ پای روایت و داستان در غزلیات شمس»، احمد رضا منصوری، مجموعه مقاله‌های همایش داستان‌پردازی مولوی به کوشش محمد دانشگر، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۶

۶- «نقد و تحلیل ساختار گرایانه‌ی غزل_روایت‌های عطار»، قدرت الله طاهری، فرهنگ، ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز، ۱۳۸۲

فصل دوم:

مبانی نظری تحقیق

گفتگو در ادبیات داستانی

گفتگو در ادبیات می‌تواند به مواردی تقسیم شود. یک نوع آن گفتگو در داستان است. گفتگو یکی از عناصر مهم داستان است و بیشتر نویسندگان برای جذابیت داستان خود از آن استفاده می‌کنند. جمال میرصادقی در مورد گفتگوی داستانی می‌نویسد: «در قصه‌های کوتاه و بلند فارسی، گفتگو جزو روایت قصه است و از خود حد و رسمی ندارد. میان روایت قصه و گفتگو فاصله و نشانه‌ای نیست. گفتگوهای شخصیتها و قهرمانهای قصه به دنبال روایت قصه می‌آید. در واقع گفتگو از خود استقلالی ندارد و جزو پیکره روایت قصه است.»^۱

گفتگو در قالب نمایش نیز طبیعتاً حضوری نمایان دارد و سخنانی که بین شخصیت‌های نمایشنامه رد و بدل می‌شود، اشاره به اهمیت گفتگو در نمایش دارد.

گفتگو در قالب مناظره

نوع دیگر گفتگو، نمونه‌هایی است که در قالب مناظره میان حیوانات، انسان‌ها و در مواردی نباتات صورت می‌گیرد. سابقه مناظره به ادبیات پیش از اسلام برمی‌گردد. گفتگو در قالب مناظره بیشتر از لحاظ جنبه‌های تعلیمی‌ای که دارد مهم است. یکی از این آثار درخت آسوریک است که مناظره‌ای است میان درخت نخل و بز، که در آن هر کدام فواید خود را برمی‌شمارند و می‌خواهند برتری خود را نسبت به دیگری نشان دهند. قالب این اثر مناظره است و نمی‌توان آن را گفتگوی داستانی دانست، چون عناصر داستانی در آن به چشم نمی‌خورد. مناظره در دوره اسلام نیز همچنان به گسترش خود ادامه داد و در آثار کسانی چون اسدی طوسی می‌توان نمونه آن را یافت که در ذیل عنوان مناظرات دوره اسلامی به این آثار اشاره خواهد شد.

در غزلیات شمس گفتگو در قالب مناظره اهمیت دارد. در دیوان مولانا مناظره میان موجودات مختلف شکل می‌گیرد. مناظراتی که در آن طرفین یکدیگر را به سخره می‌گیرند و

۱- میرصادقی، جمال، (۱۳۶۷)، عناصر داستان، شفا، ص ۴۶۶

سعی می‌کنند خود را برتر نشان دهند. گفتگوی غزلیات شمس، گفتگوی داستانی نیست، چون حضور عناصر داستانی در غزلیات بسیار کم‌رنگ است؛ اما از آنجا که این گفتگوها تا حدودی به گفتگوی داستانی نزدیک هستند، در صفحات بعد گفتگوی داستانی، ویژگی‌های آن و انواع این نوع گفتگو را توضیح خواهیم داد.

علاوه بر این شکل‌های گفتگو، گاه در شعر و نثر ادبی به گفتگوهای برمی‌خوریم که در آن نامی از طرف مقابل نمی‌آید و تنها از لفظ «گفت» استفاده می‌شود. این نوع گفتگو در ادبیات ایران نمونه‌های بسیار دارد. در آثاری که در این رساله مورد بررسی قرار گرفته است، چون غزلیات سنایی، غزلیات عطار، مقالات شمس و معارف بهاء‌ولد این نوع گفتگو به چشم می‌خورد. در غزلیات شمس نیز نمونه این گفتگو دیده می‌شود:

گفتمش: زان کفچه‌ای تا نفس من ساکن شود گفت: رو کین نیست ای جان بهره انسانی

۶/۲۹۸۲۹

گفتگو و تشخیص

گونه دیگر گفتگو، مواردی است که با تشخیص همراه است. از دیرباز شاعران در آثار خود از تشخیص استفاده کرده‌اند و با جان‌بخشی به امور غیرانسانی چون عناصر طبیعت و مفاهیم انتزاعی، تصاویری زیبا در آثار خود بر جای گذاشته‌اند. گفتگوهای مولانا نیز در غزلیات شمس با تشخیص همراه است. اما تشخیص‌های مولانا با دیگر شاعران تفاوت دارد. نگاه او به هستی و ارتباطی که با عالم درون برقرار می‌کند، سبب شده است که حرکت و حیات بیشتری در تشخیص‌های او به چشم بخورد.

«تشخیص‌های مولانا اغلب حاصل افکار و اندیشه‌های او و جهان‌نگری عرفانی اوست. برخلاف تشخیص‌های شاعران دیگر که اغلب از در نظرگرفتن قافیه وردیف شعر حاصل می‌شود و در آنها هیچ خلاقیتی دیده نمی‌شود.»^۱

از نگاه مولانا همه هستی زنده است و همه کائنات در حال حرکت هستند. او این حرکت و زنده بودن کائنات را با تمام وجود خویش لمس کرده است، به همین دلیل خواننده می‌تواند با گفتگوها و تشخیص‌های او نسبت به دیگر شاعران ارتباط بهتری برقرار کند و حرکت و نشاط موجودات هستی را در شعر مولانا احساس کند.

گل از نسرين همی پرسد که چون بودی درین غربت؟

همی گوید: خوشم زیرا خوشی‌ها زان دیار آمد

سمن با سرو می‌گوید: که مستانه همی رقصی

به گوشش سرو می‌گوید: که یار بردبار آمد

۶۰۵۸-۶۰۵۷/۲

همی چشمک زد آن نرگس به سوی گل که خندانی

بدو گفتا: که خندانم که یار اندر کنار آمد

۲/۶۰۶۰

این نوع گفتگو که در آن گلها و درختان ویژگی‌های انسانی دارند و چون انسان‌ها با یکدیگر سخن می‌گویند، در غزلیات بسیار است. گاه نیز در غزلهای مولانا به گفتگوهایی برمی‌خوریم که در آن مفاهیم انتزاعی، ویژگیهای انسانی دارند و با یکدیگر و یا با خود شاعر و انسان‌ها سخن می‌گویند. نمونه تشخیص از نوع جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی در غزلیات شمس بسیار بیشتر از سایر تشخیص‌هاست.

۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، غزلیات شمس تبریز (مقدمه)، سخن، ص ۹۸

در غزلیات مولانا نمونه‌های بسیاری وجود دارد که یک مفهوم انتزاعی از معنای محسوس خود فاصله می‌گیرد و شخصیت خود را به عنوان یک مفهوم انتزاعی کاملاً از دست می‌دهد و شخصیتی رمزگونه می‌یابد. ابهامی که در این مورد دیده می‌شود، ناشی از این است که غلبه هیجانات عاطفی بر شاعر سبب شده است که کلمه از محدوده معنایی خود خارج شود. شخصیت بخشی به مفاهیم انتزاعی در غزلیات شمس بسیار است و می‌توان آن را خصوصیت سبکی مولانا دانست.^۱

در بیت زیر شاعر با عشق که مفهومی انتزاعی است سخن می‌گوید و این گفتگو به گونه‌ای است که گویی شاعر حضور انسان یا شخصیتی را احساس می‌کند که می‌خواهد کیسه‌ای را از او بدزد.

عشق برید کیسه‌ام گفتم: هی چه می‌کنی؟ گفت: تو را نه بس بود نعمت بیکران من

۱۹۲۴۱-۰/۱۹۲۴۴

از نمونه‌های دیگر، تشخیص‌هایی است که با خطاب همراه است. نمونه‌هایی از این تشخیص‌خطابی در غزلیات به چشم می‌خورد.

سنبله با یاسمین گفت: سلام علیک گفت: علیک السلام در چمن آی ای فتا

۱/۲۳۴۴

در این بیت یاسمین در جواب سلام سنبله، او را «ای فتا» خطاب می‌کند.

نوع دیگر، تشخیصی است که با صفت ساخته می‌شود؛ یعنی صفت انسانی به موصوف اضافه

می‌شود.^۲

۱- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۰)، در سایه آفتاب، سخن، صص ۲۱۴-۲۱۵

۲- خلیلی جهان تیغ، مریم، (۱۳۸۰)، سیب باغ جان، سخن، صص ۱۲۷-۱۲۵